

اسلام پرورش‌های روان‌شناختی

سال چهارم، شماره دوم، پیاپی ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ (ص ۳۹-۶۵)

مفهوم‌شناسی خودفریبی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی

The concept of self-deception from the perspective of Islam and psychology

رامین عزت‌طلب مقدم / کارشناسی‌ارشد روان‌شناسی مثبت‌گرا، مؤسسه اخلاق و تربیت، قم، ایران.
عباس پسن‌دیده / استادیار دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران.
حمید رفیعی هنر / استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

Ramin Ezzatalab Moghadam / Master of Positive Psychology Qom Institute of Ethics and Education, Qom, Iran. ezzatalab93@gmail.com

Abbas Pasandideh / Assistant Professor of Quran and Hadith University of Qom, Qom, Iran.

Hamid Rafiei Honar / Assistant Professor of Institute of Islamic Sciences and Culture of Qom, Qom, Iran.

ABSTRACT

One of the concepts related to "self" that is currently considered by psychologists, especially in the realm of personality, is the concept of self-deception.

In Islamic texts, self-deception is mentioned with different words that have the ability to describe and explain psychologically. The aim of this study was to identify the concept of self-deception in psychology and Islamic sources and to determine the components and categories of the structure of self-deception. Psychological findings were collected and analyzed by reviewing and explaining various psychological sources.

The components and categories of the structure of self-deception in Islamic sources were also collected by the method of content analysis from the words *al-Tasvil* (insinuation), *al-Khida* (duplicity) and *al-qash* (fraud) and then categorized, combined and analyzed.

The findings showed that the comprehensive concept of self-deception

چکیده

یکی از مفاهیم مرتبط با «خود» که در حال حاضر، مورد توجه روان‌شناسان و به خصوص قلمرو شخصیت قرار گرفته، مفهوم خودفریبی است. در متون اسلامی از خودفریبی با واژه‌های مختلفی سخن به میان آمده که قابلیت توصیف و تبیین روان‌شناختی را داراست. این پژوهش، با هدف شناسایی مفهوم خودفریبی در روان‌شناسی و منابع اسلامی و تعیین مؤلفه‌ها و مقوله‌های سازه خودفریبی انجام شد. یافته‌های روان‌شناختی از طریق بررسی و تبیین منابع مختلف روان‌شناسی جمع‌آوری و مورد تحلیل قرار گرفت. مؤلفه‌ها و مقوله‌های سازه خودفریبی در منابع اسلامی نیز به روش تحلیل محتوا از واژگان تسویل، خداع و غش گردآوری و سپس دسته‌بندی، تلفیق و تجزیه و تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که مفهوم جامع سازه خودفریبی نوعی نقص

is a kind of cognitive defect in the individual that hides the truth, misunderstanding, deviant tendencies or behavior that results in incorrect misconceptions.

The structure also includes the five main components of ignorance, the desire for pleasures, personal deviation, selfishness and secrecy, and 30 categories.

KEYWORDS: self-deception, deceit of yourself, al-tasvil (insinuation), al-khid (duplicity), al-qash (fraud), questionnaire, Islamic sources.

شناختی در فرد بوده که موجب پنهان شدن حقیقت، ادراک اشتباه، تمایلات انحرافی و یا رفتاری می‌شود که حاصل آن، درست‌پنداری نادرست است. همچنین سازه مذکور مشتمل بر پنج مؤلفه اصلی جهل‌ورزی، تمایل به خوشاینها، انحراف فردی، خودبینی و پنهان‌کاری و ۳۰ مقوله می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: خودفریبی، فریب، فریب خود، مؤلفه‌های خودفریبی، مفهوم خودفریبی.

بیان مسئله

مفهوم «خود» در روان‌شناسی از موضوعاتی است که پس از یک دوره فراموش‌شدگی نسبی در دهه‌های اخیر، اهمیت یافته است. مهم‌ترین و رایج‌ترین اختلالات رفتاری به «خود» نسبت داده می‌شود و پژوهشگران، در زمینه‌های نظری و کاربردهای بالینی و تربیتی به «خود» توجه می‌کنند (روزنبرگ،^۱ ۱۹۸۹). یکی از مفاهیم مرتبط با «خود» که در حال حاضر، مورد توجه روان‌شناسان و به خصوص قلمرو شخصیت قرار گرفته، مفهوم خودفریبی^۲ است. مسئله خودفریبی مسئله‌ای پیچیده و سؤال‌برانگیزی است که با بسیاری از ابعاد اساسی انسان، از جمله بُعد آگاهی، انگیزه، اختیار، سعادت و ارزش، مرتبط است (آلستون،^۳ ۱۹۸۵). این مفهوم به تازگی، توجه روان‌شناسی تجربی را به خود جلب کرده است (ویتزگینا،^۴ ۲۰۱۳)، به‌گونه‌ای که به‌عنوان یک موضوع مهم در روان‌شناسی تجربی قلمداد می‌شود (کراگر^۵ و دانیگ،^۶ ۱۹۹۹).

خودفریبی در حوزه آسیب‌شناسی روانی نیز قابل طرح است. امروزه فریب خود به‌عنوان یک شکل از آسیب‌شناسی روانی محسوب می‌گردد؛ زیرا که به‌طور منظم تولید باورهای غلط

1 Rosenberg, M.

2 Self deception.

3 Alston, W.

4 Vizgina, A.

5 Kruger, J.

6 Dunning, D.

در شخص می‌کند (سیگ، ۲۰۰۱).

از لحاظ لغوی، خودفربیی نوعی احساس ناتوانی در تشخیص دقیق محدودیت‌های خود (وندنبوس، ۲۰۰۷)، توسعه مفهوم «خود» کاذب و غیرواقعی (گرسینی، ۱۹۹۹)، رفتار پنهان‌کننده نقص‌های فرد (ماتسوموتو، ۲۰۰۹) و متقاعدسازی خود به صحت یک گزاره نادرست و پنهان‌کردن حقیقت از خود است (وون هیپل^۵ و تریورز، ۲۰۱۱) که مانع پذیرش «خود» واقعی می‌شود (ربر، ۱۹۹۶). همچنین واداشتن فردی، به باور آنچه واقعی نیست یا ارائه نظر و عقیده اشتباه به او، یکی دیگر از معانی خودفربیی محسوب می‌گردد (لانگمن، ۲۰۰۳).

در اصطلاح روان‌شناسان، برخی این مفهوم را تمایل به توصیف خود مطلوب می‌دانند (خیمنز^۱ و رویز، ۲۰۱۴). همچنین برخی بر این باورند که خودفربیی سعی در انکار، عدم پذیرش و یا غفلت از عقیده مطابق با واقع و مورد باور نفس است (کلایی، ۱۳۸۹). بانولی^{۱۱} (۲۰۱۲) معتقد است: خودفربیی یک راهبرد عملی برای حفظ ثبات خود و کسب و حفظ یک باور علی‌رغم وجود شواهد مخالف است (بانولی، ۲۰۱۲). براین اساس می‌توان گفت: خودفربیی با تمام جنبه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری انسان در ارتباط بوده و نتیجه آن پنهان شدن واقعیت از فرد است.

با این حال هنوز اجماعی بر شناسایی و تعیین هویت خودفربیی بین دانشمندان اتفاق نیفتاده و از عناصر متناقض و مبهم محسوب می‌شود (بوید^{۱۲} و یان، ۲۰۱۲) و تاکنون یک مفهوم کلی مورد تأیید در مورد این پدیده ثابت نشده است (ویزگینا، ۲۰۱۳).

1 Sage, J.

2 Vandebos, G.

3 Corsini, R.

4 Matsumoto, D.

5 von Hippel, W.

6 Trivers, R.

7 Reber, A.

8 Longman Dictionary of Contemporary English.

9 Jiménez, M.

10 Ruiz, C.

11 Bagnoli C.

12 Boyd, D.

13 Ian.

آن مقدار که محقق جست‌وجو کرده، اغلب تحقیقاتی که در موضوع خودفریبی در روان‌شناسی انجام گرفته است، تنها به بخشی از ابعاد خودفریبی پرداخته‌اند. همچنین در حیطه مباحث اسلامی، برخی پژوهشگران (مطهری، ۱۳۹۳، ص ۲۳۰؛ جعفری، ۱۳۹۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷؛ کلایی، ۱۳۸۹)، به مناسبت بخشی از پژوهش خود به این آموزه، در قالب واژه‌های مرتبط با خودفریبی توجه نموده‌اند. بر اساس قرآن کریم و روایات، یکی از آفاتی که در زندگی خصوصی و اجتماعی، دامن‌گیر انسان می‌شود و سد مهمی در راه موفقیت اوست، خودفریبی است که قرآن کریم همواره آن را مورد نکوهش قرار می‌دهد (ر.ک: آل‌عمران: ۶۹؛ نساء: ۱۱۳؛ انعام: ۲۴؛ بقره: ۹؛ پژوهنده، ۱۳۸۳).

اما به‌طور معمول، در آثار روان‌شناسان ناخواسته یا ناتوانسته اشاره‌ای به آموزه‌های غنی اسلامی در زمینه خودفریبی نشده است و پژوهشگران اسلامی نیز این مفهوم را یا به‌طور کامل مورد مطالعه قرار نداده و یا از زاویه روان‌شناسی آن را بررسی نکرده و یا صرفاً به جنبه‌های رفتاری این آموزه پرداخته‌اند. از این‌رو، این آموزه نیازمند بررسی‌های جامع‌تر در حیطه منابع اسلامی بوده و تبیین‌های روان‌شناختی دقیق‌تری را می‌طلبد. به نظر می‌رسد، این پژوهش بتواند ارزش‌های روان‌شناختی مفهوم خودفریبی را از منابع اسلامی اکتشاف نموده و زمینه‌های عملیاتی‌سازی آن را مطرح سازد.

بنابراین محقق به دنبال بررسی سؤالات ذیل می‌باشد:

- مفهوم خودفریبی در منابع اسلامی چیست؟

- مؤلفه‌ها و نشانه‌های روان‌شناختی سازه خودفریبی کدام است؟

همچنین در ضمن پژوهش به بررسی سؤالات فرعی‌تری همچون جایگاه و مفهوم خودفریبی در روان‌شناسی و ضرورت آن در روان‌شناسی و متون اسلامی پرداخته خواهد شد.

روش پژوهش

این پژوهش حاضر، به لحاظ هدف، بنیادی به‌شمار می‌رود که به دنبال افزایش حیطه دانش و آگاهی است. در این پژوهش، از روش تحلیل محتوا برای بررسی، توصیف، دسته‌بندی، مقایسه و تجزیه‌وتحلیل مفاهیم محتوای آشکار پیام‌های موجود در متون دینی مرتبط با موضوع به کار گرفته شده است (شریعتمداری، ۱۳۸۸، ص ۷۷) که در آن اطلاعات لازم در خصوص موضوعات و ریز موضوعات پژوهش از طریق مطالعه و بررسی کتاب‌ها، مقالات،

پایان‌نامه‌ها و سایر آثار مکتوب و نیز تأمل و کنکاش در داده‌های گردآمده و انجام برخی عملیات پژوهشی از قبیل شرح، تفسیر، تحلیل و ارائه الگو انجام می‌پذیرد (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۳، ص ۳۴).

برای گردآوری اطلاعات، در ابتدا تمامی کلیدواژه‌هایی که در ارتباط با مفاهیم فریب (به معنای عام)، خودفریبی و دگرفریبی می‌باشد، شناسایی و جمع‌آوری گردیده است. کلیدواژه‌های جمع‌آوری شده عبارت‌اند از: اغوا، احتیال، اغتیال، غبن، کید، تلبیس، تدلیس، تضلیل، تسویف، تزیین، غفلت، غرور، خب، غل، ختر، ختل، غدر، دغل، خلابه، روغ، تسویل، غش، مکر و خداع. پس از بررسی لغوی و اصطلاحی ۲۴ واژه مذکور، محقق به این نتیجه رسید که واژه‌های تسویل، غش و خداع واژه‌های جامع‌تری بوده و با مفهوم خودفریبی ارتباط نزدیک‌تری دارند. براین اساس، برای شناسایی مؤلفه‌ها و نشانه‌های خودفریبی، تمام مشتقات فعلی (ماضی، مضارع و امر) و اسمی (اسم فاعل، اسم مفعول، صفت مشبیه، اسم مبالغه، اسم تفضیل و...) با «ال» و بدون آن، از این سه واژه استخراج شده است. در جمع‌آوری این اطلاعات، بیش از ۱۵۰ روایت مرتبط با تسویل، خداع و غش، از ۳۰ کتاب روایی استخراج شد که حدود ۱۰۰ روایت، از روایاتی که با موضوع پژوهش ارتباط داشت، انتخاب شد و برای استخراج مفهوم، مؤلفه‌ها و مقوله‌ها، توصیف و تجزیه و تحلیل شد.

خودفریبی در روان‌شناسی

بررسی تاریخی خودفریبی در روان‌شناسی

با توجه به آنچه تاکنون گفته شد، خودفریبی یک موضوع قدیمی طرح شده در فلسفه کلاسیک بوده (الستر، ۱۹۹۹) و مربوط به تفکر یونانی هومر و افلاطون است (کون، ۲۰۰۳). که فی‌نفسه مورد توجه فلاسفه و موضوع بسیاری از کتاب‌های مهم بوده است (لگنهاوزن، ۱۳۷۴). در ادبیات فلسفی غرب، تعبیر SELF DECEPTION مورد تحلیل قرار گرفته و بحث‌های فراوانی در خصوص آن شده است، اما با این حال روش‌ها و دیدگاه‌ها درباره آن بسیار متنوع است. همچنین در تحلیل این مفهوم به موضوعات روان‌شناسی نیز ارجاع داده شده است (فینگارت، ۲۰۰۳).

1 Elster J.

2 Cowen T.

3 Fingarette, H.

اولین گام‌ها در مطالعه علمی درباره خودفریبی، در تبیین‌های فروید^۱ (۱۹۳۶ و ۱۹۷۱) در موضوع مکانیزم‌های دفاعی برداشته شد. پس از فروید، به صورت خیلی محدود بر روی این پدیده، مطالعاتی انجام شد. اما پس از سال‌ها، تریورز (۲۰۱۱)، زیست‌شناس تکاملی، یافته‌های تجربی خود در زمینه تبیین خودفریبی که حدود سی سال مطالعه تجربی روی آن انجام داد را منتشر کرد. او عقیده داشت فریب و خودفریبی یک جنبه اساسی ارتباطات در طبیعت است و پنهان کردن حقیقت از خود، عمیق‌تر از پنهان کردن آن از دیگران است (تریورز، ۲۰۱۱). این بحث به تازگی، نظر روان‌شناسی تجربی را جلب کرده است (ویزگینا، ۲۰۱۳).

مفهوم‌شناسی خودفریبی در روان‌شناسی

خودفریبی تحت تأثیر ماهیت خود، یکی از پیچیده‌ترین و ابهام‌انگیزترین واقعیت‌های ذهنی به حساب می‌آید (گلن،^۲ ۱۹۹۶)، به گونه‌ای که در یک بازه زمانی طولانی مدت، به عنوان یک موضوع حدسی، ظنی و جنجالی در روان‌شناسی، زیست‌شناسی و فلسفه تکاملی بوده است (میژوویچ^۳ و پرلیک،^۴ ۲۰۱۰).

کلمه «خودفریبی»، متشکل از «خود» و «فریب» است. لذا در ابتدا لازم است با معانی این مفاهیم در فرهنگ لغت آشنا شده و پس از تصور معنای لفظ «فریب» و «خود»، به مفهوم و ماهیت آن بپردازیم.

واژه خود

در زبان انگلیسی کلماتی همچون PERSON, THE SELF, identity برای این واژه استفاده می‌شود. اگرچه self در زبان انگلیسی به تنهایی معنا ندارد و همواره باید همراه ضمیر یا اسمی باشد تا معنای واقعی بیابد، اما در فلسفه و روان‌شناسی به معنای هویت، نفس و خود انسان است (پری،^۵ ۲۰۰۶).

1 Freud, S.

2 Goleman, D.

3 Mijović, D.

4 Prelec, D.

5 Perry, J.

واژه فریب

در فرهنگ لغت انگلیسی ذیل واژه deceive، کلماتی چون mislead, delude, trick, swindle ذکر شده است (ویت، ۲۰۱۲). واداشتن کسی به باور آنچه واقعی نیست یا ارائه نظر و عقیده اشتباه به کسی، یکی از معانی فریب محسوب می‌گردد (لانگمن، ۲۰۰۳).

خودفریبی در لغت

با بررسی معانی لغوی مفهوم Self deception می‌توان به این نتیجه رسید که لغت‌شناسان بیشتر به جنبه شناختی و رفتاری این مفهوم توجه نموده‌اند و آن را یک پدیده شناختی رفتاری قلمداد می‌کنند. وندنبوس (۲۰۰۷) معتقد است: خودفریبی نقص در شناخت محدودیت‌های «خود» است و آن را نوعی احساس ناتوانی در تشخیص دقیق محدودیت‌های خود می‌داند. گرسینی (۱۹۹۹) آن را توسعه مفهوم «خود» کاذب و غیرواقعی عنوان می‌کند. در مقابل، برخی بر این باورند که خودفریبی، رفتار پنهان‌کننده نقص‌های فرد است (ماتسوموتو، ۲۰۰۹) که مانع پذیرش «خود» واقعی می‌شود (ربر، ۱۹۹۶).

خودفریبی در اصطلاح

بسیاری از محققان بر این باورند که این پدیده با حوزه شناخت و آگاهی مرتبط است و آن را توهمات مثبت می‌پندارند (کار، ۲۰۰۵). خودفریبی را مجموعه باورهای سازمان‌یافته (اعتقادات منسجم) می‌داند که به ما امکان می‌دهد موقعیت‌هایی را که ممکن است در آنها اطلاعات منفی درباره خود دریافت نماییم، پیش‌بینی نموده و سپس راهبردهایی را برای برخورد با آنها تدارک ببینیم. میتچل^۳ (۲۰۰۰) می‌گوید: «خودفریبی شامل پذیرش کورکورانه و بررسی نشده اعتقادی است که جعلی بودن آن واضح است». در دیدگاه مسیک^۴ و بازمن^۵ (۱۹۹۶) فریب خود، ناآگاهی از فرایندهایی است که منجر به شکل دادن افکار و قضاوت‌های ما می‌شود. کلایی (۱۳۸۹) نیز این پدیده را سعی در انکار، عدم پذیرش و یا غفلت از عقیده مطابق با واقع و مورد باور نفس می‌داند.

1 Waite M.

2 Carr, A.

3 Mitchell, J.

4 Messick, D. M.

5 Bazerman, M. H.

اما در دیدگاه پژوهشگرانی که به مرتبط بودن خودفریبی با مقوله رفتار معتقدند، این مفهوم یک کنش و راهبرد عملی برای حفظ ثبات خود، کسب و حفظ یک باور علی‌رغم وجود شواهد مخالف است (بانولی، ۲۰۱۲).

خیمنز و رویز (۲۰۱۴)، خودفریبی را در قلمرو تمایلات و انگیزه‌ها می‌دانند. آنها بر این باورند، این مفهوم، تمایل غیرعمدی به توصیف مطلوب خود است.

همچنین دیدگاه تلفیقی به این پدیده نیز وجود دارد. به این‌گونه که برخی آن را نتیجه تأثیر تعصبات بر آگاهی و برخی دیگر آن را نتیجه تأثیر عمل ارادی بر باور می‌دانند. به عقیده وون هیپل و تریورز (۲۰۱۱)، فریب خود، مجموعه‌ای از تعصبات روانی برای اولویت دادن اطلاعات خوشایند از ناخوشایند است، در نتیجه متقاعدسازی خود به صحت یک گزاره نادرست و پنهان کردن حقیقت از خود است (وون هیپل و تریورز، ۲۰۱۱). آلستون (۱۹۸۵) نیز آن را یک عمل ارادی برای پرهیز از حقایق نامطلوب می‌داند که موجب غفلت ان-سان از حقایق یا حتی پیدا شدن باورهای کاذب و انگیزه‌های نامناسب می‌شود.

ماهیت خودفریبی از دیدگاه روان‌شناسان معاصر

دیدگاه‌های مختلف و بعضاً متناقضی در مبحث خودفریبی در بین پژوهشگران و روان‌شناسان وجود دارد. برخی خودفریبی را نقض اصول کلی عقلانیت می‌دانند (دیویدسون،^۱ ۱۹۸۵) و برخی آن را با عقلانیت عملی سازگار قلمداد می‌کنند (رورتی،^۲ ۱۹۸۸). برخی دیگر از محققان خودفریبی را به‌عنوان یک فعالیت طبیعی و وسیله‌ای برای برقراری ارتباط با خود مطرح نموده‌اند (پاتن،^۳ ۲۰۰۳). فری^۴ و وولند^۵ (۲۰۱۱) خودفریبی را به‌عنوان راهبرد دفاعی غیرمحتمل می‌دانند. از سوی دیگر، بعضی خودفریبی را یکی از اشکال اعتقاد خطای انگیزشی می‌دانند، اما هر اعتقاد غلط انگیزشی را نمی‌توان خودفریبی دانست؛ بلکه مدل خودفریبی با این پیش‌فرض است که شخص خودفریب در صدد و قصد این است که باعث ایجاد اعتقاد خطا شود (در صورت عدم قصد، خودفریب محسوب نمی‌گردد) (لیوینگستون،^۶ ۲۰۱۱). برخی

1 Davidson, D.

2 Rorty, A. O.

3 Patten, D.

4 Frey U.

5 Voland E.

6 Livingstone Smith D.

پژوهشگران، مورد مدح و ستایش قرارگرفتن و بهره‌مندی از وجدان خوب را هدف خودفریبی مطرح می‌کنند (نصیری، ۱۳۸۲). کینگ^۱ (۱۹۷۴) معتقد است: خودفریبی به این شکل رخ می‌دهد که انسان آزادی خود را از خود پنهان می‌سازد. عده‌ای از روان‌شناسان نیز معتقدند خودفریبی ممکن است از طرف دیگران تحمیل شود (جاست^۲ و هانیادی،^۳ ۲۰۰۵).

مؤلفه‌های خودفریبی در روان‌شناسی

در بررسی مؤلفه‌های خودفریبی در روان‌شناسی، دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد. برخی مؤلفه‌ها ناظر به قلمرو آگاهی، باورهای سازمان‌یافته و تناقض شناختی، برخی مرتبط با اولویت امور خوشایند، تعصبات و تمایلات و برخی نیز به حیطة رفتار فرد مربوط می‌شوند. استرنبرگ^۴ (۲۰۱۵)، هشت مؤلفه برای خودفریبی مطرح می‌کند: از جمله عدم احساس ندامت در مقابل اشتباهات، ارائه یک تصویر نادرست به دیگران، پنهان کردن ماهیت واقعی از چیزی تا زمانی که نسبت به آن احساس پیشیمانی وجود ندارد، متقاعد کردن آگاهانه خود در پاسخ به یک احساس نگرانی، استفاده از زمان (تسویف) تأخیر انداختن امور، شکاف (نفاق) بین عمل و گفتار، سانسور درونی (اجتناب از تفکر در مورد مسئله‌ای خاص)، تناقض بین باورها و احتمالاً تناقض بین نگرش به یک عقیده. ویزگینا (۲۰۱۳) معتقد است: نیاز به تأیید که نشانگر تمایل فرد به توصیف بالاتر از خود است (دورویی آگاهانه در پاسخ به ایجاد یک تصویر اجتماعی مطلوب از خود) و تمایل به گزارش مغرضانه مثبت از خود (تمایل ناآگاهانه به درک مطلوب از خود)، شاخصه‌های اصلی خودفریبی هستند. از طرفی کویپلوف^۵ و نور^۶ (۲۰۱۰) اجزای تشکیل‌دهنده خودفریبی را اطمینان به قدرت خودکنترلی خود، دست‌کم گرفتن (سبک شمردن) استعداد ابتلای خود به وسوسه، سستی در معیارهای هنجاری (بی‌خیالی) و تردید در محدوده زمانی معین می‌دانند.

برخی از محققان، جست‌وجوی مغرضانه اطلاعات (شامل: مقدار جست‌وجو، جست‌وجوی انتخابی، توجه انتخابی)، تفسیر مغرضانه کلام دیگران، یادآوری اشتباه و توجیه را از ارکان

1 King, T.

2 Jost, J. T.

3 Hunyady, O.

4 Strandberg, H.

5 Kopylov, I.

6 Noor, J.

به وجود آورنده خودفریبی می‌دانند (وون هیپل و تریورز، ۲۰۱۱). لینچ^۱ (۲۰۰۹) معتقد است: مؤلفه‌های این مفهوم دروغ به خود، دستکاری و تحریف شواهد، توجیه و جمع‌آوری انتخابی از شواهد است. پژوهشگرانی همچون خیمنز و رویز (۲۰۱۴) نیز بر این باورند مؤلفه‌های توهمات مثبت شامل ارزیابی بیش‌ازحد مثبت از خود، درک اغراق‌آمیز از خودکنترلی و خوش‌بینی غیرواقعی در مورد آینده است.

در مجموع می‌توان گفت: مفهوم خودفریبی از دیدگاه پژوهشگران روان‌شناسی، شامل مؤلفه‌های شناختی سانسور درونی، تناقض در باورها و ادراک اغراق‌آمیز، مؤلفه‌های عاطفی تمایلات مطلوب‌نما و ارزیابی خوش‌بینانه از خود و همچنین مؤلفه‌های رفتاری پنهان‌کاری و تحریف واقعیات است.

خودفریبی در آموزه‌های اسلام

شناسایی مفاهیم مرتبط با خودفریبی در منابع اسلامی

در متون دینی مفاهیم گوناگونی به کار رفته است که دربرداخته مفاهیم فریب (به معنای عام)، خودفریبی و دگرفریبی می‌باشد. براین اساس، در ابتدا تمامی کلیدواژه‌هایی که در ارتباط با مفاهیم مذکور می‌باشد، شناسایی و جمع‌آوری گردید. کلیدواژه‌های جمع‌آوری شده عبارت‌اند از: اغوا، احتیال، اغتیال، غبن، کید، تلبیس، تدلیس، تضلیل، تسویف، تزیین، غفلت، غرور، خب، غل، ختر، ختل، غدر، دغل، خلابه، روغ، تسویل، غش، مکر و خداع. پس از بررسی لغوی و اصطلاحی ۲۴ واژه مذکور، محقق به این نتیجه رسید که واژه‌های مکر، غرور، تسویل، غش و خداع واژه‌های جامع‌تری بوده و سایر کلیدواژه‌ها را دربر می‌گیرند. در مرحله سوم با بررسی منابع اسلامی در کنار معانی اصطلاحی و لغوی مشخص شد، واژه‌های تسویل، خداع و غش غالباً با پسوند نفس نیز به کار رفته است، اما واژه‌های غرور و مکر، جز در یک مورد با این پسوند به کار نرفته است. از این جهت به نظر می‌رسد، واژگان تسویل، خداع و غش با مفهوم خودفریبی ارتباط نزدیک‌تری نسبت به دو مفهوم دیگر دارد. از این رو، محقق مدعی است که از میان تمامی کلیدواژه‌های مذکور، تسویل، خداع و غش، بیانگر مفهوم خودفریبی می‌باشند. این فرایند در نمودار ۱ ارائه شده است.

نمودار ۱. فرایند شناسایی و دستیابی به مفاهیم مرتبط با خودفربیی در منابع اسلامی



در ابتدا به صورت مجزا این سه واژه مورد بررسی و تبیین مفهومی و در نهایت، به جمع‌بندی مفهوم خودفربیی بر اساس آموزه‌های اسلام می‌پردازیم. البته در میان سه مفهوم ذکر شده بیانگر خودفربیی در منابع اسلامی، ظاهراً بیشترین پژوهش‌ها به تسویل مرتبط است و محققان زیادی در مورد این مفهوم، به بیان دیدگاه‌های خود پرداخته‌اند. از این رو، در این بخش ابتدا به بررسی لغوی تسویل، سپس به بررسی کلام محققان در این باب و بعد، به تبیین آن در اصطلاح منابع اسلامی می‌پردازیم:

مفهوم تسویل

معنای لغوی تسویل

«تسویل»، در لغت به معنای گوناگونی به کار رفته است. واژه پژوهان، «تسویل» را به معنای تزیین و آراستن نفس دانسته‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴). از سوی دیگر، زبیدی (۱۴۱۴) این تزیین نفس را تزیین باطل، غفلت از حقیقت، راحت‌طلبی و کوچک‌نمایی برخاسته از فریب مطرح می‌کند. راغب اصفهانی (۱۴۱۲) پس از طرح معنای زیانمایی و آراستن زشتی‌ها، این مفهوم را نیازی برآمده از زیاده‌خواهی قلمداد می‌کند. قرشی بنایی (۱۴۱۲)، با قبول اینکه تسویل نوعی زیانمایی برآمده از زیاده‌خواهی بوده، آن را به معنای

تسهیل و آسان‌گیری عنوان می‌کند. برخی از لغت‌شناسان، تسویل را محبوب جلوه دادن و مثبت‌انگاری می‌دانند (طریحی، ۱۳۷۵، ص ۳۹۹). البته برخی دیگر، مثبت‌انگاری را با قید شر همراه نموده و جنبه منفی آن را یادآور می‌شوند (ابن‌اثیر، ۱۳۶۷). ابن‌منظور (۱۴۱۴)، معنای لغوی این مفهوم را اغوا و فریب‌گری معرفی می‌کند.

از مجموع تعاریف لغوی تسویل این مفاهیم به دست می‌آید:

- الف. مثبت‌انگاری بیجا / ادراک اشتباه: ۱. مطلق: زینت دادن، محبوب جلوه دادن؛ ۲. مرضی: زیبا جلوه دادن (آراستن) زشتی‌ها، زیبایینی برآمده از حرص، زیبا جلوه دادن برآمده از حرص، زیبا جلوه دادن (آراستن) باطل، زیبا جلوه دادن (آراستن) شر، محبوب جلوه دادن شر؛
- ب. تسهیل: آسان‌گیری، راحت‌طلبی، استصغار به همراه غرور؛
- ج. ناآگاهی: غفلت از حق، اغوا، نیاز برآمده از حرص.

تسویل در کلام محققان

عنوان تسویل در چند آیه از قرآن مجید، به عنوان مکانیسم انحراف از راه راست مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین، در بعضی آموزه‌های دیگر نیز به عنوان مکانیسم بروز سرکشی از دستورات الهی و انجام کارهایی که به وسیله او ممنوع اعلام شده‌اند، معرفی شده است (حسینی، ۱۳۸۰). از دیدگاه مطهری، واژگونه جلوه دادن واقعیات، ثمره تسویل است (سلطانی، ۱۳۸۵). برخی پژوهشگران (باقری، ۱۳۸۳) مفهوم «تسویل نفس» را معادل «خودفریبی» دانسته و معتقدند در تسویل نفس، آدمی چیزی یا کاری را با توجه به جذابیت‌های آن، چندان می‌آراید که اثر علم اجمالی خود برخلاف آن را خنثی می‌کند و به این ترتیب، زمینه اقدام را فراهم می‌آورد.

صدر معتقد است: در مفهوم «تسویل» دو مؤلفه وجود دارد: یکی اینکه چیز مورد تسویل زشت باشد و ثانیاً، نفس نسبت به آن آزمند و حریص باشد (صدر، ۱۳۸۹).

جوادی آملی، در تبیین مفهوم تسویل می‌گوید: «نفس انسان یا زشت را زیبا نشان می‌دهد و یا تنها بُعد زیبای یک چیز دو بُعدی را ارائه می‌دهد. چیزهای مورد علاقه را برای او از راه باطل زیبا می‌نماید و باطل را به صورت حق جلوه می‌دهد» (جوادی آملی، ۱۳۸۴).

براین اساس، تسویل در کلام محققان شامل نیاز، نقص در شناخت، تحریف واقعیات و

گمراهی و انحراف فردی است.

معنای اصطلاحی تسویل در منابع اسلامی

برای دستیابی به مفهوم جامع‌تر از تسویل، لازم است که بررسی دقیقی در روایات کتب روایی انجام گیرد. با توجه به روایات و اخبار وارده در باب تسویل، می‌توان به این نکته دست یافت که گستره معنایی این مفهوم در منابع اسلامی، با توجه به هر سه جنبه بینشی، انگیزشی و کنشی در انسان است. درحالی‌که از لحاظ لغوی، مفهوم تسویل بیشتر به جنبه شناختی فرد مرتبط می‌شود.

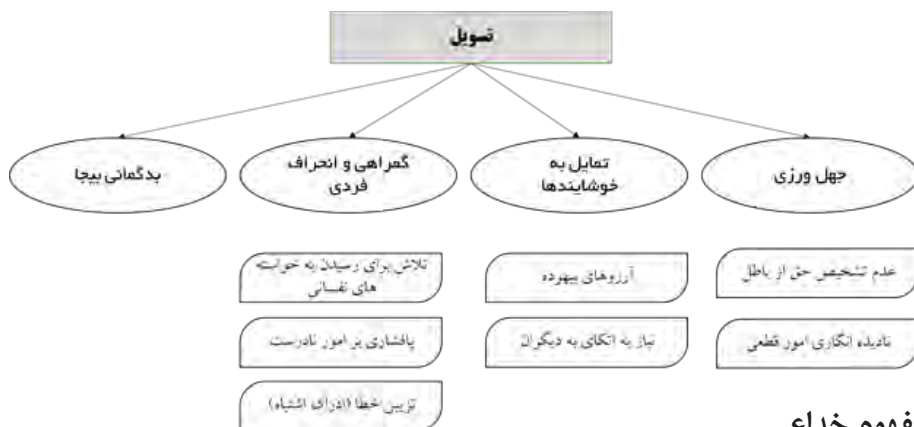
از برخی روایات به دست می‌آید که تسویل، مفهومی شناختی و نوعی جهل‌ورزی است. امام سجاد (علیه السلام) در یکی از دعاهای صحیفه سجادیه می‌فرماید: اللَّهُمَّ وَمَا سَوَّلَ لَنَا مِنْ بَاطِلٍ فَعَرَفْتَاهُ (کفعمی، ۱۴۰۵)؛ «خداوند ما را به باطلی که در نگاه ما زیبا جلوه داده می‌شود، آگاه بفرما».

در منابع اسلامی به بُعد انگیزشی تسویل نیز اشاره شده است. بسیاری از روایات، تسویل را ناشی از تمایلات، احساسات و نیازهای برآمده از زیاده‌خواهی معرفی می‌کنند. امیرالمؤمنین (علیه السلام) یکی از نشانه‌های تسویل نفس را، غرق شدن در آرزوهای دست‌نیافتنی عنوان کرده و می‌فرماید: «فَبِئْسَ الْمَطِيئَةُ الَّتِي امْتَطَّتْ نَفْسِي مِنْ هَوَاهَا فَوَاهَا لَهَا لِمَا سَوَّلَتْ لَهَا ... مُنَاهَا» (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۳۴۰).

برخی از روایات نیز جنبه‌های رفتاری تسویل را متذکر شده و گمراهی و انحراف را در دو حیطة فردی و بین‌فردی را نشانه آن می‌دانند. در اغلب اخبار این باب به گمراهی و انحراف فردی اشاره شده است. امام علی (علیه السلام) در روایتی می‌فرماید: «أَنَّ تَسْوِيلَ النَّفْسِ يُفْجِئُ عَلَى الشَّهْوَةِ؛ «تسویل، تلاش برای رسیدن به خواسته‌های نفسانی است» (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۳۹۳). بدبینی بیجا نیز از مواردی است که از نشانه‌های گمراهی و انحراف بین‌فردی در روایات باب تسویل از آن یاد شده است (مجلسی، ۱۴۰۳).

از این‌رو، در پاسخ به اینکه معنی اصطلاحی تسویل در منابع اسلامی چیست؟ به‌طور خلاصه می‌توان گفت: جهل‌ورزی، تمایل به خوشایندها، انحراف و بدگمانی بیجا، مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده مفهوم تسویل بوده که در نمودار ۲ ارائه شده است. همچنین، تعریف عملیاتی تسویل عبارت است از: «نوعی نیاز و میل در انسان که با جهل‌ورزی، نامطلوب را به صورت مطلوب جلوه داده و موجب گمراهی، ادراک غلط و انحراف از واقعیت می‌گردد».

نمودار ۲. مؤلفه‌ها و نشانه‌های واژه تسویل



مفهوم خداع

معنای لغوی خداع

واژه‌شناسان در بررسی لغوی خداع، معانی مختلفی را مطرح می‌کنند. یکی از معانی لغوی این واژه که بیشتر پژوهشگران حوزه لغت به آن اشاره کرده‌اند، گمراهی و انحراف از واقع (فردی و بین فردی) است. به این صورت که برخی آن را آشکار نمودن و اظهار خلاف واقع می‌دانند (ابن منظور، ۱۴۱۴)، و برخی دیگر این اظهار خلاف و منحرف کردن از واقع را به وسیله نیرنگ معنا می‌کنند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲). همچنین برخی نیز، حیله و فریب دادن را یکی دیگر از معانی خداع محسوب می‌کنند (قرشی بنایی، ۱۴۱۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴). فراهیدی، خداع را مترادف زینت دادن و آراستن می‌داند (فراهیدی، ۱۴۰۹). اما یکی از معانی واژه خداع، پنهان‌کاری است که لغت‌شناسان در معنای لغوی self deception آن را جزء معانی مهم خودفریبی قلمداد می‌کنند. راغب اصفهانی (۱۴۱۴، ص ۲۷۶) معتقد است: خداع، نوعی پنهان‌کاری، کتمان حقیقت و مخفی کردن واقع است.

از مجموع تعاریف لغوی به دست آمده از واژه خداع به سه مفهوم کلی می‌توان دست یافت:

الف. گمراه نمودن: منحرف کردن از واقع، آشکار نمودن خلاف واقع، آشکار نمودن خلاف واقع با نیرنگ، حیله و نیرنگ کردن؛

ب. پنهان‌کاری: کتمان، مخفی نمودن شی؛

ج. ادراک اشتباه: زینت دادن (آراستن) باطل.

معنای اصطلاحی خداع در منابع اسلامی

محقق در جهت بررسی اصطلاحی خداع، با محدودیت‌های پژوهشی مواجه گردید، به‌گونه‌ای که به نظر می‌رسد پژوهش خاصی در این حوزه انجام نشده است. از آنجا که لغت‌شناسان بیشتر به جنبه‌های رفتاری خداع توجه نموده‌اند، لذا برای بررسی دقیق‌تر این مفهوم و رسیدن به تعریف عملیاتی جامع‌تر، نیازمند رجوع به منابع اسلامی معتبر، امری ضروری به نظر می‌رسد.

برخی روایات باب خداع اشاره به این مطلب دارد که شخص، از لحاظ بینشی، دچار جهل‌ورزی و خطای شناختی است. به این صورت که در تشخیص حق و باطل دچار مشکل هستند (اربلی، ۱۳۸۱). همچنین از فلسفه توسعه دنیوی ناآگاه هستند. امام علی علیه السلام فرمودند: مَنْ وَسَّعَ عَلَيْهِ دُنْيَاهُ وَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّهُ مُكْرَبٌ بِهِ فَهُوَ مَحْدُوعٌ عَنْ عَقْلِهِ (مجلسی، ۱۴۰۳)؛ «کسی که در دنیا سرشار از لذت و توسعه مادی شده (و گرفتار بلایی نشود) و نداند که در معرض مکر الهی قرار گرفته است، فریب عقل خود را خورده و گرفتار خودفربیی شده است». همچنین در روایات بسیاری عدم به‌کارگیری قوه تعقل را نشانه خداع معرفی می‌نمایند، به این صورت که می‌فرمایند: «فَسَادُ الْعَقْلِ الْإِغْتِرَارُ بِالْخُدْعِ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶).

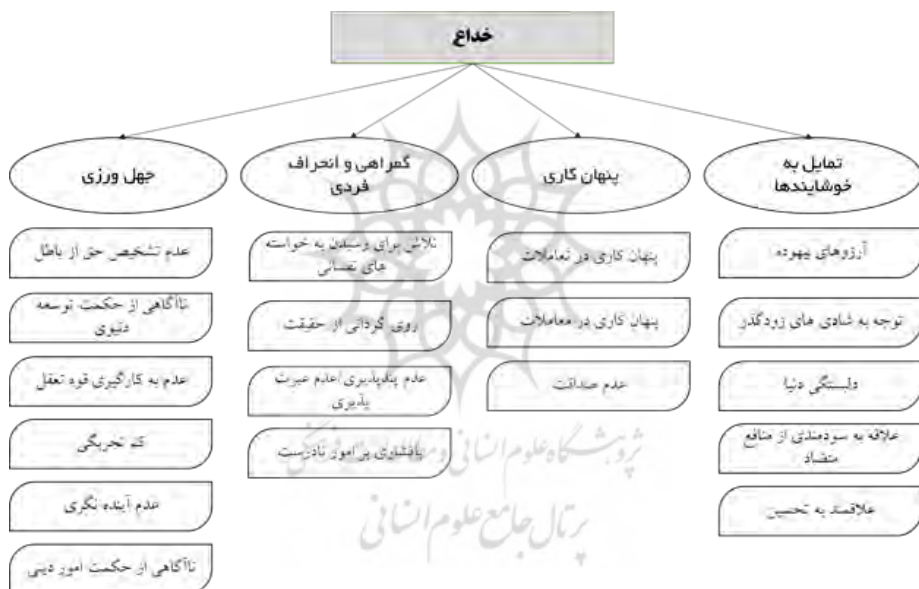
از اخبار وارده به دست می‌آید که خداع، جنبه انگیزشی نیز داشته و حوزه تمایلات انسان را نیز دربر می‌گیرد. روایات فراوانی، توجه به آرزوهای دست‌نیافتنی را نشانه خداع دانسته‌اند. از جمله امیرالمؤمنین علیه السلام در حدیثی می‌فرمایند: فَإِنَّ أَمَلَهُ خَادِعٌ لَهُ (دیلمی، ۱۴۱۲)؛ «آرزوهای شخص، فریب‌دهنده او هستند». همچنین توجه به شادی زودگذر (لیثی واسطی، ۱۳۷۶)، علاقه به سودمندی از منافع متضاد (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰) و علاقه‌مندی به تحسین دیگران نیز از دیگر نشانه‌های خداع محسوب می‌شوند.

در منابع اسلامی، به بُعد رفتاری خداع نیز توجه ویژه‌ای شده است. بر اساس روایات، پنهان‌کاری، عدم صداقت، گمراهی و انحراف (فردی و بین‌فردی) از مؤلفه‌های رفتاری تشکیل‌دهنده خداع به حساب می‌آیند. امام علی علیه السلام در روایتی در تعریف خداع می‌فرمایند: الْخُدَاعُ إِنْزَالُ الْعَبْرِ عَمَّا هُوَ بِصَدَدِهِ بِأَمْرٍ يُبْدِيهِ عَلَى خِلَافِ مَا يُخْفِيهِ (مجلسی، ۱۴۰۳)؛ «خداع، خواسته کسی را وارونه نشان دادن است، به اینکه حقیقت را از او پنهان نماید و غیرواقع را به جای واقع به او معرفی کند».

از مجموع احادیث جمع‌آوری شده در باب خداع، ظاهراً این مفهوم نیز همانند تسویل،

گستره معنایی وسیع‌تری نسبت به معنای لغوی را شامل می‌شود، با این تفاوت که لغت‌شناسان معتقدند: تزیین و آراستن باطل نیز جزء معانی خداع محسوب می‌شود، اما در روایات اشاره‌ای به این معنا نشده است. به این ترتیب، جهل‌ورزی، تمایل به خوشایندها، پنهان‌کاری، گمراهی و انحراف را می‌توان مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده مفهوم خداع بر اساس منابع اسلامی دانست که در نمودار ۳ ارائه شده است. از این رو، تعریف عملیاتی خداع این‌گونه خواهد بود: «خداع، نوعی پنهان‌سازی واقعیت جهت رسیدن به خواسته‌های نفسانی و گمراه نمودن دیگران است».

نمودار ۳. مؤلفه‌ها و نشانه‌های واژه خداع



مفهوم غش

معنای لغوی غش

یکی از معانی غش، از دیدگاه اهل لغت، ناخالصی و تقلبی بودن یک شیء است (ابن‌اثیر، ۱۳۶۷؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴). برخی ناخالصی را قید خیرخواهی شخص نسبت به دیگران قلمداد می‌کنند و معتقدند شخص غش‌کننده به صورت کاذب ادعای خیرخواهی می‌کند (فراهیدی، ۱۴۰۹). برخی از پژوهشگران از جمله فیومی (۱۴۱۴ق)، طریحی (۱۳۷۵)، غش را مترادف «نقیض‌النصح»؛ یعنی به معنای نقیض خیرخواهی یا بدخواهی نیز دانسته‌اند. یکی

از معانی لغوی که به مفهوم خودفریبی در روان‌شناسی نزدیک‌تر به نظر می‌رسد، زینت دادن و آراستن غیرمصلحت است که در نگاه شخص، چیزهایی که به صلاح او نیست زیبا جلوه داده می‌شود (فیومی، ۱۴۱۴).

به این ترتیب، از مجموع تعاریف لغوی واژه غش، مفاهیم زیر به دست می‌آید:
الف. زیبانمایی کاذب: اظهار برخلاف باطن و واقع، ناخالصی، خیرخواهی ناخالص؛ ب.
ضد خیرخواهی (بدخواهی)؛ ب. ادراک اشتباه: زینت دادن (آراستن) غیرمصلحت.

معنای اصطلاحی غش در منابع اسلامی

برخلاف دیدگاه‌های لغت‌شناسان که بیشتر به جنبه‌های بین‌فردی غش تأکید کرده‌اند، اخبار و روایات جمع‌آوری شده از این واژه و مشتقات آن نشان می‌دهند، حوزه معنایی این مفهوم بسیار فراتر بوده و به ابعاد درونی شخص نیز مرتبط است. با توجه به احادیث این باب، اموری که به خود فرد و حالات درونی او ارتباط دارند نیز از شاخصه‌های غش محسوب می‌گردد. برای نمونه، مثبت‌انگاری بیجا نسبت به اشخاص و افراد، حتی کسانی که خیانت در امانت می‌کنند از نشانه‌های افرادی است که دچار غش نفس یا همان خودفریبی شده‌اند. پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «من استودع خائناً فقد غش نفسه (حلی، ۱۴۰۸)؛ «کسی که به شخص خائن امانت بدهد، قطعاً خود را فریب داده است». همچنین در برخی احادیث به نادیده‌انگاری نواقص شخصی اشاره شده است. امام باقر علیه السلام فرمودند: «كَفَى بِالْمَرْءِ غِشًّا لِنَفْسِهِ أَنْ يُبْصِرَ مِنَ النَّاسِ مَا يَعْنِي عَلَيْهِ مِنْ أَمْرِ نَفْسِهِ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴)؛ «در فریب دادن خود، همین کافی است که عیب دیگران را ببیند و عیب خویش را نبیند».

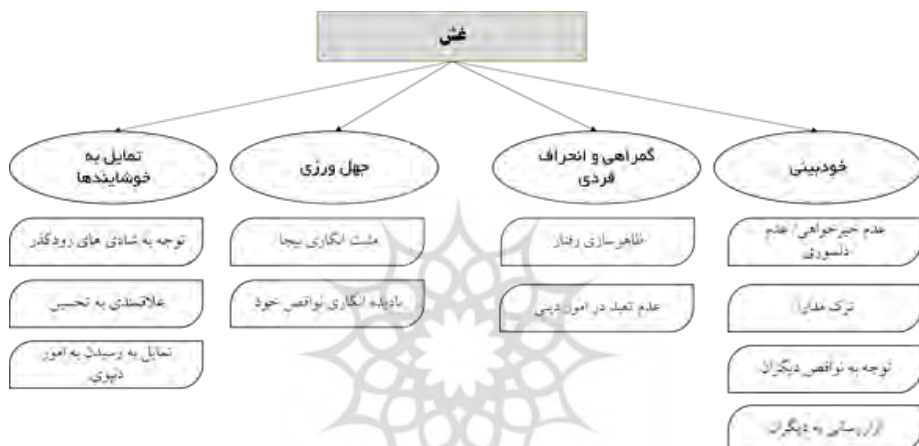
برخی از روایات، به حالات خودبینانه شخص تأکید داشته و آن را از ویژگی‌های اصلی غش می‌دانند. عدم خیرخواهی (ابن مزاحم، ۱۴۰۴)، ترک مدارا (ابن بابویه، ۱۳۸۵)، توجه به نواقص و عیوب دیگران (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴) از نشانه‌های این مؤلفه می‌باشد.

از دیگر ویژگی‌های غش که مورد توجه اهل بیت علیهم السلام قرار گرفته است، تمایل به خوشایندها، از جمله توجه به شادی‌های زودگذر و علاقه‌مندی به تحسین است (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۱۵۸).

نشانه‌های دیگری در این موضوع به چشم می‌خورد، از جمله ظاهرسازی رفتار (کلینی، ۱۴۰۷)، عدم تعبد در امور دینی (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴) و تشویق دیگران به امور باطل (لیثی واسطی، ۱۳۷۶).

براین اساس، مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده مفهوم غش را می‌توان جهل‌ورزی، تمایل به خوشایندها، گمراهی و انحراف فردی و بین‌فردی و همچنین خودبینی عنوان کرد که در نمودار ۴ ارائه شده است. لذا تعریف اصطلاحی غش بر اساس منابع اسلامی این‌گونه است: «غش حالتی است که فرد در آن با ظاهرسازی و نادیده گرفتن نواقص خود، سعی در فریب خود و دیگران دارد».

نمودار ۴. مؤلفه‌ها و نشانه‌های واژه غش



مؤلفه‌های خودفریبی بر اساس منابع اسلامی

پس از اینکه مؤلفه‌های سازنده واژگان مرتبط با خودفریبی در منابع اسلامی شناسایی شد، با جمع‌بندی مؤلفه‌ها و نشانه‌ها، می‌توان به ساختار و تعریف واحدی در موضوع خودفریبی دست پیدا کرده و به نتیجه‌گیری نهایی رسید. بر اساس آنچه تاکنون بیان شد، می‌توان خودفریبی بر اساس منابع اسلامی را دارای ۵ مؤلفه اصلی جهل‌ورزی، تمایل به خوشایندها، انحراف فردی، خودبینی و پنهان‌کاری دانست.

مؤلفه اول: جهل‌ورزی

با توجه به آیات قرآن کریم، جهل، تنها به معنای ندانستن نیست، بلکه غلبه هوس‌ها و نوعی بی‌توجهی به امور نیز هست (قزائتی، ۱۳۸۳). در منابع دینی، واژه جهل دارای دو کاربرد اصلی است؛ بدین معنی که گاهی در برابر علم و گاهی در برابر عقل به کار می‌رود. پس ممکن است وقتی گفته شود شخصی جاهل است به معنای فقدان دانش یا فقدان عقل و

تعقل‌ورزی باشد. از این‌رو، در شناسایی نشانه‌های این مؤلفه، هم نشانه‌های فقدان دانش و هم عدم تعقل‌ورزی در کنار یکدیگر بیان شده‌اند. بر این اساس، افراد گرفتار به خودفربیی، در موقعیت‌های استرس‌زا، با پذیرش کورکورانه و بررسی نشده اعتقادی که نادرست بودن آن مشخص است، سعی در تدارک راهبردی برای برخورد آرامش‌ساز با آن موقعیت هستند. همین مسئله موجب بی‌اعتنایی، انکار امور قطعی و عدم پذیرش عقاید مطابق با واقع می‌شود (کلایی، ۱۳۸۹).

جهل‌ورزی شامل نشانگان ذیل است: عدم تشخیص حق از باطل، نادیده‌انگاری امور قطعی، ناآگاهی از حکمت توسعه دنیوی، عدم به‌کارگیری قوه تعقل، کم‌تجربگی، عدم آینده‌نگری، ناآگاهی از حکمت امور دینی، مثبت‌انگاری بیجا و نادیده‌انگاری نواقص خود.

مؤلفه دوم: تمایل به خوشاینها

از آنجا که بر اساس منابع اسلامی و همچنین روان‌شناسی، بخشی از خودفربیی به ابعاد انگیزشی انسان مرتبط می‌شود، عنوان کلی «تمایل به خوشاینها» را می‌توان از مؤلفه‌های اصلی خودفربیی دانست. همان‌طور که وون‌هیپل و تریبورز (۲۰۱۱)، در تعریف خودفربیی، آن را مجموعه‌ای از تعصبات روانی برای اولویت دادن اطلاعات خوشایند از ناخوشایند؛ در نتیجه متقاعدسازی خود به صحت یک گزاره نادرست و پنهان‌سازی حقیقت از خود قلمداد می‌کنند.

البته تمایل به خوشاینها را نمی‌توان به‌طور کامل یک ویژگی منفی عنوان کرد؛ چرا که گاهی باعث رشد و ترقی شخص می‌گردد. در واقع بسته به شرایط موجود، اثرات میل در زندگی می‌تواند مثبت یا به‌عکس به همان میزان منفی نیز باشد، اما با توجه به رویکرد نسبتاً منفی نسبت به خودفربیی در آموزه‌های دینی، این مؤلفه جزء ویژگی‌های نامطلوب افراد به حساب می‌آید. خوشایندهایی که در این موضوع مورد توجه قرار می‌گیرند از نوعی نیاز و نقص شخصیتی سرچشمه گرفته‌اند.

نشانه‌های مرتبط با مؤلفه تمایل به خوشاینها عبارت‌اند از: آرزوهای بیهوده، نیاز به اتکای به دیگران، توجه به شادی‌های زودگذر، دلبستگی دنیا، علاقه به سودمندی از منافع متضاد، علاقمندی به تحسین.

مؤلفه سوم: گمراهی و انحراف فردی

معنای گمراهی که در زبان عرب از آن به ضلالت یاد می‌شود، وقتی در برابر هدایت قرار گیرد، مفهوم روشن‌تری پیدا می‌کند؛ چرا که اغلب، ضلالت و گمراهی در جایی به کار برده می‌شود که شخصی به هدایت و راهنمایی افراد راهنما گوش ندهد و یا بعد از پذیرش حق و راه مستقیم دوباره از راه راست منحرف شود و راه گمراهی یعنی راه غیر هدایت را در پیش گیرد و در مسیری برود که هرگز از آن طریق به مقصد و هدف نمی‌رسد (طباطبایی، ۱۴۱۷).

این مؤلفه دارای نشانه‌های ذیل است: تلاش برای رسیدن به خواسته‌های نفسانی، پافشاری بر امور نادرست، تزیین خطا (ادراک اشتباه)، روی‌گردانی از حقیقت، عدم پندپذیری / عدم عبرت‌پذیری، ظاهرسازی رفتار، عدم تعبد در امور دینی، بدگمانی بیجا.

مؤلفه چهارم: خودبینی

خودبینی و خودخواهی یکی از مشکلات بزرگ در روابط با خود و دیگران است. کسی که خودبین و خودخواه است، دائماً تلاش می‌کند تا از دیگران برای رفع احتیاجات خود استفاده کند. افراد خودفريب از آنجا که برای رهایی از تنش، دست به خودفريبی می‌زنند، در نتیجه برطرف نمودن نیازهای خود، در اولویت قرار گرفته و گرفتار خودبینی می‌شوند.

در آموزه‌های دینی نشانه‌های این مؤلفه، عدم خیرخواهی / عدم دلسوزی، ترک مدارا، توجه به نواقص دیگران و آزاررسانی به دیگران است.

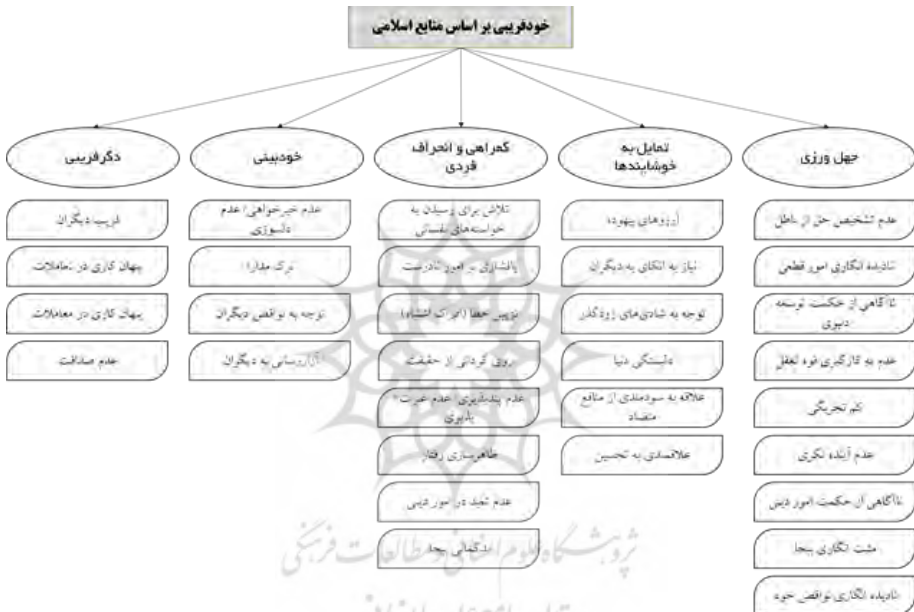
مؤلفه پنجم: پنهان‌کاری

پنهان‌کاری، رفتاری است که فرد در آن سعی می‌کند از نشان دادن واقعیت به دیگران جلوگیری کند. این حالت ممکن است ناشی از ترس یا یک نگرانی و یا اعتماد نداشتن به افراد باشد که شخص از تأثیر بیان و نشان دادن حقیقت بر دیگران دارد. پنهان و مخفی نمودن برخی چیزها، آن چنان ارزش اخلاقی نداشته و کم‌اهمیت است، اما برخی امور اگر در معرض پنهان‌کاری قرار گرفته شوند، بسیار خطرناک بوده و تأثیر مخربی خواهند داشت.

البته در دین اسلام توصیه به مخفی کردن و پنهان‌کاری در بعضی موارد به چشم می‌خورد. برای نمونه، مخفی نمودن گناهانی که از انسان سرزده، مورد توجه است: «المُسْتَرِبُّ بِالْحَسَنَةِ تَعَدُّلٌ سَبْعِينَ حَسَنَةً وَالْمُذْبِحُ بِالسَّيِّئَةِ مَحْذُولٌ وَالْمُسْتَرِبُّ بِهَا مَغْفُورٌ» (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۴۲۸). اما

اگر این پنهان‌کاری در فرد، به صورت یک رویه رفتاری جهت فریب دیگران تبدیل گردد، یک حالت مرضی تلقی گردیده و باید مورد آسیب‌شناسی قرار گیرد. از نشانه‌های این مؤلفه می‌توان به عدم صداقت، پنهان‌کاری در تعاملات و معاملات نام برد. نتایج به‌دست‌آمده از مؤلفه‌ها و نشانه‌های خودفربیی بر اساس منابع اسلامی در نمودار ۴ ارائه گردیده است.

نمودار ۵. مؤلفه‌ها و نشانه‌های خودفربیی بر اساس منابع اسلامی



نتیجه‌گیری

۱. اولین پرسش پژوهش، تبیین مفهوم خودفربیی در منابع اسلامی است. پژوهشگران اسلامی تعاریفی از واژه‌های مرتبط با خودفربیی ارائه نموده‌اند که این مفهوم را یا به‌طور کامل مورد مطالعه قرار نداده و یا از زاویه روان‌شناسی آن را بررسی نکرده و یا صرفاً به جنبه‌های رفتاری این آموزه پرداخته بودند. ابتدا با مراجعه به کتب حدیثی و نرم‌افزارهای حدیثی (مانند جامع‌الاحادیث و...) و همچنین کتب لغوی معتبر، بررسی واژه‌های مرتبط به خودفربیی آغاز شد و هر واژه‌ای که به نحوی به مفهوم فریب، خودفربیی و دگر فربیی ارتباط داشت مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت تا اینکه جایگاه آن در پژوهش مشخص شود.

نمودار مراحل و فرایند شناسایی این واژه‌ها در پژوهش ارائه شده است. بعد از تحلیل‌های روایی و با توجه به جمع‌بندی مؤلفه‌های به‌دست‌آمده نمایان شد که مفهوم سازه خودفریبی بر اساس منابع اسلامی عبارت است از: «خودفریبی، نوعی نقص شناختی در فرد است که موجب پنهان شدن حقیقت، ادراک اشتباه، تمایلات انحرافی و یا رفتاری می‌شود که حاصل آن، درست‌پنداری نادرست است».

۲. دومین پرسش پژوهش، تعیین مؤلفه‌ها و نشانه‌های روان‌شناختی سازه خودفریبی بود که بررسی تفصیلی منابع اسلامی، نشانگر این بود که مفهوم خودفریبی دارای ۵ مؤلفه اصلی جهل‌ورزی، تمایل به خوشایندها، انحراف فردی، خودبینی و پنهان‌کاری است که در بررسی روایات همسو با هر مؤلفه در مجموع ۳۰ نشانه به‌دست‌آمد که عناوین آن در پژوهش ذکر شد. ۳. با بررسی مفاهیم سه‌گانه تسویل، خداع و غش، در مفهوم‌شناسی خودفریبی بر اساس لغت و متون دینی، نکاتی به‌دست‌می‌آید: اولاً، در لغت و روایات، سه واژه خداع، غش و تسویل، در برخی موارد به جای یکدیگر به کار گرفته شده و معنای همدیگر را می‌دهند؛ ثانیاً، برخی مؤلفه‌ها در هر سه واژه به‌صورت مشترک مورد استفاده قرار گرفته‌اند. مؤلفه‌های «جهل‌ورزی»، «تمایل به خوشایندها» و «گمراهی و انحراف فردی» در هر سه واژه مشترک هستند؛ ثالثاً، هر یک از واژه‌ها دارای یک یا چند مؤلفه غیرمشترک با دیگر واژه‌ها هستند. مؤلفه «بدگمانی بیجا» مؤلفه اختصاصی تسویل، مؤلفه «پنهان‌کاری» مؤلفه اختصاصی خداع و مؤلفه «خودبینی» از مؤلفه‌های خاص غش محسوب می‌شوند.

۴. در تحلیل فرایند خودفریبی در منابع اسلامی، بر اساس آنچه محقق به‌دست آورده است، می‌توان گفت: جهل‌ورزی که نوعی نقص شناختی است، موجب پنهان شدن حقیقت گردیده و شخص به خوشایندها تمایل پیدا می‌کند و باعث می‌شود برای رسیدن به تمایلات و خواسته‌های نفسانی خود، دچار گمراهی، پنهان‌کاری، خودبینی و بدگمانی بیجا شود. در نتیجه، فرد نادرست را درست می‌پندارد.

۵. با توجه به آیات و روایات در موضوع خودفریبی می‌توان این‌گونه بیان نمود که تأکید بیشتر روایات بر جنبه رفتاری افراد خودفریب و بعد از آن جنبه بینشی آنهاست. تعداد بیشتری از روایات خودفریبی، روی رفتارهای گمراهانه، خودبینانه و دگرفریبی‌ها، تأکید نموده و پس از آن توجه به نقص شناختی فرد دارد.

۶. در بررسی مقایسه‌ای بین تبیین خودفریبی در روان‌شناسی و دیدگاه اسلامی نکاتی قابل

ذکر است: از جمله اینکه، برخی تعاریف فقط بر جنبه شناختی خودفربیی متمرکز شده است، این در حالی است که خودفربیی در منابع اسلامی علاوه بر این نقص شناختی، شامل تمایلات و رفتارهای انحرافی نیز می‌گردد که تعریف میتچل، بازرمن و کلایی از آن بی‌بهره هستند. در برخی تعاریف دیگر نیز فقط به بُعد انگیزشی و حوزه تمایلات خودفربیی توجه نموده و از توجه به جنبه‌های شناختی و رفتاری خودفربیی که در منابع اسلامی به آن اشاره شد، غفلت شده است. همچنین برخی دیگر معتقدند: خودفربیی، غیرعمدی است، درحالی‌که در منابع دینی، خودفربیی اعم از عمدی و غیرعمدی بودن است. حتی در دیدگاه‌های جامع‌تر پژوهشگران روان‌شناسی، به همه جنبه‌های شناختی، انگیزشی و رفتاری توجه شده است، اما خودفربیی در این دیدگاه‌ها ارادی و آگاهانه محسوب می‌شود. این در حالی است که در تعریف خودفربیی بر اساس منابع اسلامی، خودفربیی می‌تواند آگاهانه یا ناآگاه باشد.

۷. در پایان پیشنهاد می‌شود پژوهشگران بعدی بسته‌های آموزشی و تربیتی مبتنی بر این تحلیل را در سطوح مختلف و برای مخاطبان متفاوت و نیز آزمون روان‌شناختی سازه خودفربیی را طراحی و تولید نمایند. همچنین، از دیگر فعالیت‌هایی که شایسته است در این حوزه صورت پذیرد، بررسی جداگانه رابطه مفهوم خودفربیی با مفاهیم روان‌شناختی از قبیل مسئولیت‌پذیری، افسردگی، سبک زندگی، خودمهارگری و... است. پژوهش‌های مقایسه‌ای بین سازه خودفربیی و مفاهیمی همچون تغافل، غرور و... نیز پیشنهاد می‌گردد.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله (۱۴۰۴ق)، *شرح نهج‌البلاغه لابن‌ابی‌الحدید*، قم: مکتبه آیه‌الله المرعشی‌النجفی.
- ابن‌اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷)، *النهایه فی غریب‌الحدیث و الاثر*، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن‌بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵)، *علل‌الشرائع*، قم: کتابفروشی داوری.
- ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، *تحف‌العقول*، قم: جامعه مدرسین.
- ابن‌مزامح، نصر (۱۴۰۴ق)، *وقعة صفین*، قم: مکتبه آیه‌الله المرعشی‌النجفی.
- ابن‌منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان‌العرب*، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱)، *کشف‌الغمه فی معرفه الأئمه*، تبریز: بنی‌هاشمی.
- باقری، خسرو (۱۳۸۳)، «مبانی متافیزیکی اندیشه اسلامی بنیانی برای تکوین نظریه‌های روان‌شناختی»،

نشریه دانشور رفتار، ش ۷، ص ۶۵.

- پژوهنده، محمدحسین (۱۳۸۳)، «فرهنگ سازی و دستاوردهای فرهنگی در پاسخگویی نظام مند»، پژوهش های اجتماعی، اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۴۹ و ۵۰، ص ۲۸۰.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۴۱۰ق)، غررالحکم و درر الکلم، قم: دار الکتب الإسلامی.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۹۶)، انسان شناسی از منظر نو، پایگاه اینترنتی تنظیم و نشر آثار علامه جعفری از www.ostad-jafari.com.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴)، حکمت علوی، قم: اسرا.
- حسینی، سیدابوالقاسم (۱۳۸۰)، «مکانیسم های تضعیف فطرت و نقش آنها در وقوع جرم و انحراف های اخلاقی»، اصول بهداشت روانی، ش ۹ و ۱۰، ص ۲.
- حلّی، رضی الدین علی بن یوسف (۱۴۰۸ق)، العدد القویة لدفع المخاوف الیومیة، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، دمشق: دارالعلم الدار الشامیه.
- سلطانی، مهدی (۱۳۸۵)، «مسئله و مفهوم خودی در اخلاق اسلامی از منظر شهید مطهری»، نشریه اخلاق، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ش ۲ و ۳، ص ۲۰۲.
- شریعتمداری، مهدی (۱۳۸۸)، تحقیق و پژوهش در علوم رفتاری، تهران: کوهسار.
- صدر، سیدموسی (۱۳۸۹)، «روش تزکیه از نگاه قرآن»، نشریه پژوهش های قرآنی، ش ۶۱، ص ۳۱.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: انتشارات اسلامی.
- فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۳)، «خاستگاه اخلاق پژوهش»، آینه میراث، ۲ (پیاپی) ۷، ص ۱۲.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، قم: هجرت.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، قم: مؤسسه دارالهیجره.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، چ یازدهم، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
- قرشی بنایی، علی اکبر (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی (۱۴۰۵ق)، المصباح للکفعمی (جنه الأمان الواقیه)، قم: دارالرضی.
- کلایی، مرضیه؛ جوادی، محسن و خزاعی، زهرا (۱۳۸۹)، بررسی تطبیقی خودفریبی در فلسفه اخلاق غرب و آموزه های دینی اسلام، پایان نامه کارشناسی ارشد، قم: دانشگاه قم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- لگنهاوزن، محمد (۱۳۷۴)، «دروغگویی و راستگویی در فلسفه اخلاق»، معرفت، ش ۱۵، ص ۳۷.
- لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶)، عیون الحکم و المواعظ، قم: دارالحدیث.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۳)، انسان کامل، تهران: صدرا.
- نصیری، منصور (۱۳۸۲)، «تأملی در بحث خودگرایی و دگرگرایی»، نقد و نظر، ش ۳۱ و ۳۲، ص ۳۹۴.
- واسطی زبیدی، محب الدین سیدمحمدمرتضی (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، محقق و

مصحح: علی شیری، بیروت: دار الفکر.

- Alston, William P (1985), "Concepts of Epistemic Justification", *Monist* 68, p. 57–89.
- Bagnoli C (2012), Self-Deception and Agential Authority A Constitutivist Account. *Humana, Mente* 20:93–116
- Beck, Aaron T(1975), *Cognitive Therapy and the Emotional Disorders*. Madison, CT: International Universities Press, Inc.
- Boyd, Deweese & Ian (2012), "Self-Deception", *The Stanford Encyclopedia of Philosophy*.
- Carr, Alan (2005), Positive psychology, *Clinical Psychology Forum*, 45, p. 94–97.
- Corsini, Reymond J (1999), *The dictionary of psychology*. Philadelphia, PA : Brunner/ Mazel.
- Cowen T (2003), *Self-Deception as the Root of Political Failure*, Department of Economics George Mason University.
- Davidson, D (1985), 'Deception and Division', in E. LePore and B. P. McLaughlin, eds., Actions and Events, *Perspectives on the Philosophy of Donald Davidson*, Oxford: Blackwell.
- Elster J (1999), *Alchemies of the mind: rationality and the emotions Cambridge*, UK: Cambridge University Press.
- Fingarette, Herbert (2000), *Self-Deception*, Berkeley, University of Colifornia Press.
- Freud, anna (1971), *Ego and the Mechanisms of Defense*; Published by International Universities Press (first published 1936).
- Freud, Sigmund S (1936), *The Ego and the Mechanisms of Defense*, New York, NY: International Universities Press.
- Frey U, Voland E (2011), The evolutionary route to self-deception: Why offensive versus defensive strategy might be a false alternative, *Behavioral and Brain Sciences*, 34(1),p. 21–22.
- Goleman, Daniel (1996), *Vital Lies, Simple Truths: The Psychology of Self-Deception*, Published by Simon & Schuster.
- Jiménez, María de la Villa Moral & Ruiz, Carlos Sirvent (2014), Evaluation of Self-Deception: Validation of the IAM-40 Inventory, *International Journal of Psychology and Psychological Therapy*, 14, 2, p. 203–216.
- Jost, J. T, Hunyady, O (2005), Antecedents and consequences of system-justifying ideologies, *Current Directions in Psychological Science* 14, p. 260–265.
- King, Thomas (1974), *Sartre and the Sacred*, University of Chicago Press.
- Kopylov, I, Noor, Jawwad (2010), *Self-deception and choice*, Published by mimeo.

- Kruger, Justin, Dunning, David (1999), “Unskilled and Unaware of It: How Difficulties in Recognizing One’s Own Incompetence Lead to Inflated Self-Assessments”, *Journal of Personality and Social Psychology*, 77, 6, p. 1121–1134..
- Livingstone Smith D (2011), Aiming at self-deception: Deflationism, intentionalism, and biological purpose. *Behavioral and Brain Sciences* / V. 34, p. 37– 38.
- *Longman Dictionary of Contemporary English*, 2003, p. 405, below the word “deceive”.
- Lynch K (2009), PROSPECTS FOR AN INTENTIONALIST THEORY OF SELF-DECEPTION, *Abstracta* 5 : 2, p.126 – 138.
- Matsumoto, David (2009), *The Cambridge dictionary of psychology*, Published September 1st by Cambridge University Press.
- Messick, D. M, Bazerman, M. H (1996), Ethical leadership and the psychology of decision making. *Sloan Manage*, Rev, 37(2), p. 9–22.
- Mijović, Danica, Prelec, Draz en, (2010), Self-deception as self-signalling: a model and experimental evidence, *Philos Trans R Soc Lond B Biol Sci*, 365(1538), p. 227–240.
- Mitchell, J (2000), ‘Living a Lie: Self-Deception, Habit, and Social Roles,’ *Human Studies* 23, p. 145–156.
- Patten, D (2003), How do we deceive ourselves? *Philosophical Psychology*, 16, p. 229–246.
- Perry, John (2006), “Self” in *Encyclopedia of Philosophy*, editor in chief: Donald M. Borchert, Thomson Gale.
- Reber, Arthur S (1996), *The Penguin Dictionary of Psychology*, second edition, Published May 1st by Puffin.
- Rorty, A. O (1988), ‘*The Deceptive Self: Liars, Layers, and Lairs*’, in B. P. McLaughlin and A. O. Rorty, eds., *Perspectives on Self-Deception*, Berkeley: University of California Press, pp. 11–28.
- Rosenberg, Morris (1989), *Self-Concept Research: A Historical Overview*, Oxford University Press, V. 68, No. 1, p. 34–44.
- Sage, James (2001), “*The Evolutionary Basis of Self-Deception*” Presented at the 53rd Northwest Conference on Philosophy (October, Washington State University, Pullman, WA.
- Strandberg, Hugo (2015), *Self-Knowledge and Self-Deception*, Abo Akademi University, Finland.
- Trivers, Robert (2011), *The Folly of Fools: The Logic of Deceit and Self-Deception in Human Life*. Basic Books.

- Vandenbos, Gary R (2007), *APA dictionary of psychology*. Washington, DC, US: American Psychological Association APA Dictionary of Psychology.
- Vizgina , Anna (2013), Self–deception as inner dialogue, *Procedia – Social and Behavioral Sciences*, 86, p. 242–247.
- von Hippel, William, Trivers, Robert (2011), The evolution and psychology of self–deception, *behavioral and brain sciences*, 34, p. 1–56.
- Waite M (2012), *The Oxford Paperback Thesaurus*, p. 172, below the word “deceive”. Oxford University Press.

